

تحلیل جامعه‌شناختی آداب خلعت و جامه‌بخشی در دوره خلافت فاطمی¹

امیرنیما الهی²، صمد سامانیان³
(دریافت: 99/06/19، پذیرش: 1400/04/20)

چکیده

دوران خلافت شیعی فاطمی (297-567 ق) در شمال آفریقا، شام و حجاز با گسترش و شکوفایی آداب خلعت بخشی در سده‌های سوم تا پنجم در سرزمین‌های اسلامی همزمان بود. جایگاه مهم صنعت نساجی در اقتصاد مصر، زمینه‌این شکوفایی را فراهم آورد و عنصری برای تحکیم قدرت سیاسی و نمایش شوکت دربار بود. مسئله اصلی این پژوهش چگونگی ارتباط آداب خلعت با طبقات گوناگون جامعه در دوره خلافت فاطمی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر پایه تحقیقات نظری برای نگارش پژوهش و مطالعه اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فاطمیان برای تقویت رابطه خود با طبقات گوناگون جامعه از خلعت بهره می‌بردند که ریشه در باورهای آنها داشت. خلعت و جامه‌های فاطمی برای انتصابات، به عنوان عیدی در اعیاد، جشن‌ها و مراسم آیینی و تشویق اقشار گوناگون اهدا می‌شد و بسته به تفاوت طبقاتی، حاوی ویژگی‌های گوناگون بود و نشانه‌ای از منزلت اجتماعی طبقات و گروه‌های مردم در دوره فاطمی محسوب می‌شد و تحولات اجتماعی آن دوره را بازتاب می‌داد.

واژگان کلیدی: جامه‌های فاطمی، خلافت فاطمی، خلعت‌بخشی، جامه‌بخشی

¹. این مقاله بر گرفته از رساله دوره دکتری امیرنیما الهی به راهنمایی جناب دکتر صمد سامانیان با عنوان «بازشناسی و تحلیل پوشاک دوران فاطمی بر اساس متون تاریخی، اسناد و فرهنگ مادی» در رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر است.

². دانشجوی دوره دکتری رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر تهران، elahi_n@yahoo.com

³. دانشیار دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر تهران، samaniani@art.ac.ir

مقدمه

آداب خلعت بخشی و اهدای پوشاک در سده‌های سوم تا پنجم ق، با دوره شکوفایی خلافت فاطمی (۲۹۷ - ۵۶۷ق)، بزرگترین خلافت شیعی گسترش یافت. فاطمیان نسب خویش را به پیامبر (ص) می‌رساندند و خود را تنها حاکمان بر حق مسلمانان می‌دانستند. حکومت فاطمی بر شمال آفریقا، شام و حجاز، بیش از دو سده ادامه داشت و بخش بزرگی از سرزمین‌های اسلامی را در بر می‌گرفت. کارگاه‌های نساجی پر شمار این سرزمین‌ها و به ویژه کارگاه‌های پیشرفته شهرهای مصر چون تَنَس، دمیاط و دبیق، آنها را به یکی از بزرگترین و مهم‌ترین تولیدکنندگان منسوجات آن دوره تبدیل کرد. این امر امکانات گسترده‌ای برای استفاده از خلعت و آداب جامه‌بخشی در سطوح گوناگون فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی فراهم ساخت. از آنجا که آداب اهدای جامه، نظامی ارتباطی دو سویه، شامل اهدا کننده و دریافت کننده است، تأثیر آداب خلعت بر رابطه دستگاه خلافت فاطمی با طبقات گوناگون جامعه قابل توجه به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش بررسی پیوندهای آداب جامه‌بخشی با جامعه و تحلیل جامعه شناختی نقش خلعت و پوشاک در رابطه قدرت حاکم با اقشار گوناگون جامعه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و پژوهش بر پایه تحقیقات نظری و مطالعه اسنادی برای گردآوری داده‌ها صورت گرفته است. برای پاسخ به مسئله پژوهش، بدنه اصلی مقاله در قالب ۳ بخش به دست داده شده است: ابتدا به بسترهای تاریخی آداب خلعت در دوره فاطمی پرداخته‌ایم تا زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی شکوفایی آداب خلعت در این دوره آشکار شود. در بخش دوم در آداب خلعت در دوره فاطمی، به سنت‌های مربوط به خلعت در این دوره توجه شده است. در بخش سوم، تحلیل کارکرد اجتماعی خلعت در دوره فاطمی و پیوند آداب خلعت با طبقات گوناگون جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد و نگرش نخستین پژوهشگران در موضوع هنر نساجی فاطمیان، مانند کونل^۱، ویه^۲ و سرجنت^۳ بیشتر کلی و توصیفی و فنی بوده است. پژوهشگران متاخر، به صورت محدودتر و دقیقتری به عناصر و ویژگی‌های هنر نساجی فاطمیان پرداخته‌اند. در میان ایشان، پائولا سَندرز به طور خاص به خلعت و جامه

1. Ernst Kuhnel (1882-1964) *Islamische Stoff aus Ägyptischen gräbern in der Islamischen Kunst Abteilung Und in der Stoffsammlung des schlossmuseumes* (1927)

2. Gaston Wiet (1887-1971) *Tissus et tapisseries du Musée Arabe du Caire* (1935)

3. Robert Bertram Serjeant (1915-1993) *History of Islamic Textiles up to the Mongol Conquest* (1942)

بخشی در دوره فاطمی توجه کرده است. پایان‌نامه دکتری او، مراسم و تشریفات درباری خلافت فاطمیان در مصر^۱ (۱۹۸۴)، گرچه درباره لباس نیست، از آنجا که پوشاک در مراسم و تشریفات درباری، اهمیت بسیار دارد، به این موضوع نیز پرداخته است. سندرز به جایگاه اجتماعی و معنوی پوشاک در جامعه و ارتباط آن با دربار فاطمی توجه و به این نکته اشاره کرده است که از دید بسیاری از مردم مصر، وجود خلیفه فاطمی سبب برکت الهی بود و هر آنچه که به او منسوب بود، چیزی از این برکت با خود داشت؛ از همین رو بعضی درخواست داشتند تا پس از مرگ، جسد ایشان در ثوب^۲ خلیفه کفن شود (Sanders, *The court ceremonial of Fatimid Caliphate in Egypt*, 179). او همچنین در مقاله «خلعت در مصر فاطمی»^۳ (۲۰۰۱)، با توصیف کلی خلعت، به نقش خلعت در مناسب دولتی پرداخته است: خلعت دادن به معنای گماشتن اشخاص بر مناصب درباری بود و به همین سبب، به مقامات بلندپایه دربار "اصحاب خلعت" گفته می‌شد (Sanders, *Robes and Honor: The medieval world of investiture*, 226). هر چند پژوهش‌های سندرز، تصویری کلی از خلعت در دوره فاطمی ترسیم می‌کند، پرسش‌های بسیاری نیز در پی می‌آورد که هر یک می‌تواند موضوع پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تر در شاخه‌های گوناگون هنر و علوم انسانی باشد. از جمله آنکه، واژه خلعت، فراتر از انتصابات درباری، دایره اجتماعی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد و نقش مهمی در ارتباطات اجتماعی داشته است.

زمینه‌های تاریخی آداب خلعت در دوره فاطمی

آداب خلعت دادن و جامه‌بخشی از سوی دستگاه خلافت، نقش اجتماعی بسیار مهمی در دوره فاطمی داشت، زیرا پیوند طبقه حاکم با طبقات گوناگون جامعه، به تداوم نظام قدرت در ساختار جامعه یاری می‌رساند. این امر بر نظام باورهای طبقه حاکم، ساختار اقتصادی جامعه و کارکرد اجتماعی استوار بود.

فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، مذهبی و زیبایی‌شناختی جامعه، دارای نظام کمابیش منسجمی از باورهاست که جامعه را به هم پیوند می‌دهد و برای دوام و حفظ ساختار جامعه ضروری است. این نظام باورها، نقش اساسی در ارتباط طبقات گوناگون

1. Paula Sanders, *The court ceremonial of Fatimid Caliphate in Egypt* (1984)

۲. یک نوع لباس بلند عربی شبیه دشداده امروزی

3. Paula Sanders, *The robes of honor in the Fatimid Egypt* (2001)

جامعه با طبقه حاکم دارد. در تاریخ پس از ظهور اسلام، سنت اهدای جامه نشانه‌ای از بخشش و تکریم حاکم از دیگران بود. گفته می‌شود پیامبر^(ص) کعب بن زُهَیر را بخاطر اشعاری که در ستایش از ایشان سروده بود، گرمی داشت و بُرده خویش را بر تن او پوشاند (Ibid: 225). این امر در تشیع حتی اهمیت بیشتری دارد، زیرا به باور شیعیان، پیامبر^(ص) عمامه خود را که "سحاب" نام داشت به حضرت علی^(ع) بخشید (طباطبایی، ۱۰۴)؛ نمادی که امام علی^(ع) را به عنوان جانشین پیامبر و نخستین امام شیعیان از دیگران متمایز می‌ساخت و نشانه‌ای از ادامه برکت محمدی بود.

با توجه به زمینه‌های اسلامی و به ویژه شیعی، جامه‌بخشی و توسعه آداب خلعت در دوره خلافت عباسی، خلفای فاطمی نیز از همین امر پیروی کردند و از آغاز، این سنت را در ساختار سیاسی و اجتماعی خلافت نوپای خویش در شمال آفریقا به کار گرفتند. اهمیت این امر آنچنان بود که عبدالله المهدی بالله (۲۹۷ - ۳۲۲ ق)، دوازدهمین امام شیعیان اسماعیلی که مخفیانه با عباسیان مبارزه می‌کرد، حتی پیش از آنکه به رقاده در شمال آفریقا برود و رسماً ادعای خلافت کند، در سلمیه واقع در شام لباس‌هایی تهیه کرد تا پس از اعلام رسمی خلافت، به عنوان خلعت به کارگزارانش اعطاء کند (Ivanov, 217 & 218). این رویکرد نه تنها تا پایان حکومت فاطمیان ادامه و گسترش یافت، بلکه طبقات گوناگون اجتماعی را نیز در بر گرفت تا مایه تحکیم قدرت آنها در ساختار جامعه باشد.

گسترش آداب خلعت و جامه‌بخشی بدون تکیه بر ساختار اقتصادی جامعه ناممکن بود. فاطمیان از آغاز حکومت در آفریقای شمالی و مغرب با برقراری ثبات و امنیت و دست یافتن به راه‌های تجاری شمال صحرای بزرگ آفریقا و دریای مدیترانه، موفق شدند اقتصاد را رونق بخشند؛ اقتصادی که بخش قابل توجه آن را صنعت نساجی در بر می‌گرفت و فاطمیان با تسلط بر کارگاه‌های مناطق و شهرهایی چون تونس، طرابلس، اجدابیه (ابن حوقل، ۱/ ۶۱-۷۴)، سوسه، سِجلماسه (البکری، ۲/ ۶۹۱، ۸۳۶)، برقه (مقدسی، ۱/ ۳۴۳) سیسیل (احمد، ۶۱) پوشاک مورد نیاز برای خلعت‌هایشان را تامین می‌کردند. با فتح مصر به دست جوهر، سردار فاطمی، در ۳۵۸ ق و تاسیس شهر قاهره به عنوان مرکز جدید خلافت فاطمی در دوره خلافت المُعزِّدین الله، چهارمین خلیفه فاطمی (۳۴۱-۳۶۵) و تسلط فاطمیان بر این شاهراه تجاری که سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا را به یکدیگر پیوند می‌داد، ساختار اقتصادی فاطمیان یکسره دگرگون شد و این موضوع، تأثیر بسزایی بر شکوفایی آداب خلعت و کارکرد اجتماعی آن داشت. یکی از پایه‌های مهم

اقتصاد مصر، کشت کتان و صنایع پیشرفته نساجی در شهرهای چون تئیس، دمیاط، شطا، دبیق (ادریسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۳۸)، تونه (ابن حوقل، ۱ / ۱۵۲) و اسکندریه (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۳ / ۲۲۷) در شمال دلتای نیل بود و مصر در دوره فاطمیان با کارگاه‌های پیشرفته نساجی این شهرها، به یکی از بزرگترین و مهمترین تولیدکنندگان پارچه و جامه در جهان تبدیل شد. این امر گسترش چشمگیر آداب خلعت را در دوران فاطمیان در پی آورد و سازمانی پیچیده، منظم و دقیق برای تولید، ترمیم و نگهداری و اهدای خلعت‌ها پدید آمد که تا پیش از آن کم‌سابقه بود. اهدای خلعت و جامه‌بخشی، بجز باورهای طبقه حاکم و پشتوانه اقتصادی، بر کارکرد اجتماعی نیز استوار بود. از این رو پوشاک، کالای تجملاتی و غیر ضروری محسوب نمی شد، بلکه همه طبقات جامعه با وجود انواع تفاوت‌به آن نیاز داشتند: خلعت، نماد منزلت اجتماعی بود و جایگاه متفاوت طبقاتی را نمایان می‌ساخت (کوئن، ۲۴۲). تا جایی که نام بعضی از اقشار و گروه‌های اجتماعی دوره فاطمی برگرفته از نوع لباس آنها بود^۱. بنابراین این آداب خلعت و جامه‌بخشی به خوبی از این نیاز مادی و فرهنگی جامعه بهره گرفت و کل ساختار جامعه را پوشش داد تا طبقه حاکم را با همه طبقات اجتماع پیوند دهد.

آداب خلعت در دوره فاطمی

هر چند فاطمیان از آغاز حکومت در افریقیه و مغرب از خلعت و عطایا برای ارتباط با طبقات گوناگون جامعه بهره می‌بردند (قاضی نعمان، المجالس و المسایرات، ۵۵۶)، با انتقال دستگاه خلافت به مصر، فاطمیان با جامعه‌ای پیچیده‌تر روبه رو شدند. از این رو المعز، نخستین خلیفه فاطمی در مصر، فرمان داد تا خزانه الکسوه ساخته شود که از آن به مناسبت‌های گوناگون، به مردم به اختلاف درجات و اصناف، خلعت و پوشاک اعطاء می‌شد. خدمت در این خزانه شأن و رتبه‌ای خاص داشت و اداره آن همواره با یکی از خویشان خلیفه یا یک استاد محنک^۲ بود (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۳۰۲). برای خلفای فاطمی این خزانه آنچنان اهمیت داشت که آن را

۱. مانند طیالسه که از آن فقها بود، زیرا طیلسان ویژگی اصلی پوشاک آنها طیلسان بود و روی عمامه و شانه‌ها را می‌پوشاند و منظور از استادان محنک پیشکاران ویژه خلیفه بود، زیرا در زیر چانه خود حنک می‌بستند.

۲. پیشکاران ویژه خلیفه که بسیار باتجربه و مورد اعتماد بودند.

همواره در قصرهای خود نگاه می‌داشتند؛ حتی در دوره پایانی حکومت فاطمیان که قدرت خلفا بسیار محدود شده بود و بیشتر امور در دست وزیران بود، خزانه الکسوه همچنان در قصر خلفای فاطمی قرار داشت و یکی از شروط الامر بأحكام الله، دهمین خلیفه فاطمی (۴۹۵ - ۵۲۴)، برای تأیید وزارت مأمون البطائیحی آن بود که جامه‌ها از اطراف و ولایات جز به قصر نرسد و جز از آنجا توزیع و تقسیم نشود (همو، اتعاظ، ۷۶ / ۳)، زیرا هرچند قدرت اجرایی خلفا کاهش یافته بود، خلعت بخشی و عطای جامه، سیمای اجتماعی خلیفه را بهبود می‌داد و پیوند او را با اقشار جامعه حفظ می‌کرد؛ همچنین از خلعت مقامات نیز، که نشانه رتبه آنها در ساختار دولت بود و به منصب آنها مشروعیت می‌بخشید، همواره در قصر نگهداری می‌شد. از این رو همه خلفای فاطمی با دقت و نظم بر تولید جامه برای خلعت، نظارت داشتند (نمودار ۱) (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۲۸ - ۳۱۶). خلعت‌ها و جامه‌ها بر اساس اختلاف طبقات اجتماعی و مقامات اهدا می‌شد و از نظر کیفیت، ارزش و سبک پوشاک متفاوت بود تا نشانه‌ای از پایگاه اجتماعی طبقات گوناگون باشد. خلعت‌های فاطمی را می‌توان بر سه دسته اصلی تقسیم کرد: خلعت انتصاب که تنها به طبقه اعیان تعلق داشت، خلعت تشویق و هدیه و خلعت مناسبت‌ها که طبقات و گروه‌های اجتماعی گسترده‌ای را در بر می‌گرفت.

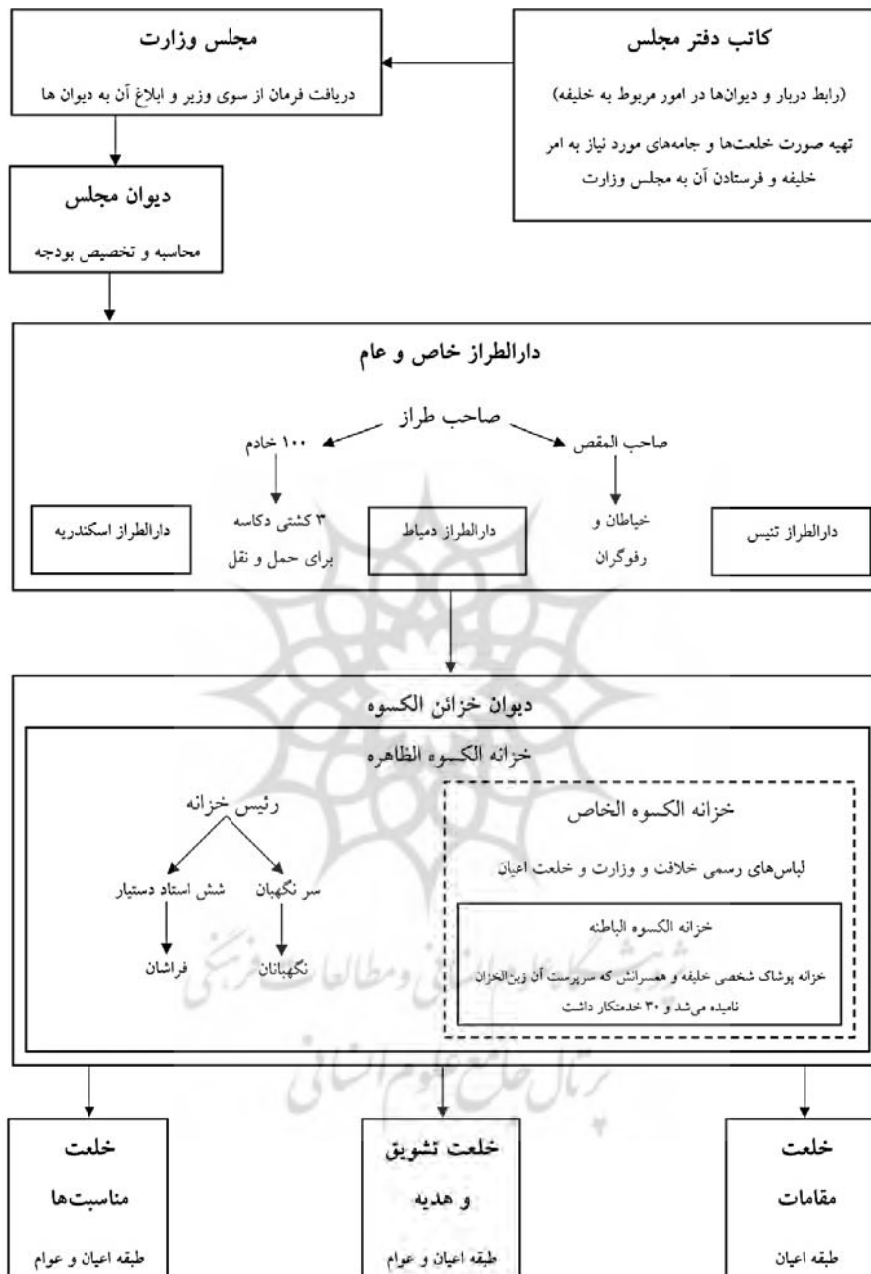
مهمترین کاربرد خلعت در انتصابات بود و خلعت‌های بسیار گرانبهای طبقه اعیان نشانه مقام بالای آنها در ساختار جامعه محسوب می‌شد. این خلعت‌ها که معمولاً بر طراز آنها نام خلیفه و گاه نام وزیر را نیز نقش می‌کردند (حسن، ۱۲۳)، سلسله مراتبی داشت: از وزارت و دربار آغاز می‌شد و به مقامات ادارات و سازمان‌ها پایان می‌یافت و بر اساس رتبه مقامات و اهمیت سیاسی و اجتماعی آنها، گاه مراسم و تشریفات باشکوهی هم برگزار می‌شد. همراه خلعت‌های انتصاب مقامات، سبک یا منشوری هم از سوی خلیفه بود، شامل فرمان انتصاب و لقبی متناسب با مقام و برقراری مستمری. همچنین، اصحاب خلعت اجازه داشتند در بار خاص خلیفه حضور یابند (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۶۱). پس از تاسیس خزانه الکسوه به دست المعز در مصر، فرزند او العزیز بالله (۳۶۵ - ۳۸۶) پنجمین خلیفه فاطمی، با برقراری ثبات در مصر به

۱. منظور از اعیان، خاندان سلطنتی و طبقات بالای سپاهیان و کارمندان دولت است که ریاست ادارات و سازمان‌ها را در دست داشتند و از نظر پایگاه اجتماعی در راس جامعه بودند.

توسعه بیشتر صنعت نساجی و آداب خلعت پرداخت و حتی برای خادمان دربار و خانواده‌های آنها جامه و مستمری قرار داد (همان، ۲۷۸). برای نمونه وجود نام خلیفه و میزان زیاد زر بکار رفته در طراز شکل یک، این احتمال را تقویت می‌کند که این طراز بخشی از جامه خلعت اعیان بوده است (شکل ۱).

خلعت هدیه و تشویق، دامنه گسترده‌تری از اقشار جامعه را در بر می‌گرفت و چنان که خلعت انتصابات، در حکم مقام و درجه افراد در ساختار دولت بود، خلعت و جامه تشویق و هدیه نیز در بیشتر موارد همچون نشان افتخاری بود که به پاداش فعالیت‌های مهم نظامی، مذهبی، هنری و علمی اهدا می‌شد (همان، ۴۷۱) تا انگیزه مردم را برای این دست از فعالیت‌ها افزایش دهد. همچنین بخشش جامه برای تحکیم پیوندهای درون طبقه‌ای و میان طبقه‌ای نیز به کار می‌رفت: هم افراد درون طبقه اعیان به یکدیگر جامه اعطاء می‌کردند و هم از سوی این طبقه به طبقات پایینتر اعطاء می‌شد (همان، ۴۶۷) (القلشندی، ۳ / ۵۷۱).

نمودار ۱. فرایند سازمانی خلعت و جامه‌بخشی در خلافت فاطمی پس از فتح مصر (نگارنده)





شکل ۱. طراز زردوزی شده مربوط به سده چهارم و پنجم که نام خلیفه الحاکم را دارد و شاید بخشی از آستین پهن بوده است (موزه کلیولند، ۱۹۵۰.۵۴۹). <https://www.clevelandart.org/art/1950.549>



شکل ۲. ردای خلعت سفید از ابریشم و زر که در طراز آن نام خلیفه المستعلی آمده است و درکارگاه‌های نساجی دمیاط در سده ششم بافته شده است (گنجینه کلیسای جامع آپت درفرانسه) (Bloom, 160)

اعیاد و مناسبت‌های گوناگون فرصت مناسبی بود تا خلفای فاطمی با بخشش خلعت و جامه، شکوه و کرامت خود را نمایش دهند (قاضی نعمان، المجالس و المسایرات، ۵۵۶) و پیوندشان را با طبقات و گروه‌های اجتماعی مستحکم‌تر کنند. در آیین‌هایی چون ختنه فرزندان خلیفه، سال نو قمری در اول محرم، نوروز قبطیان^۱، مراسم فتح خلیج^۲ و اعیاد فطر، قربان، غدیر و عید الحلل^۳ رسم خلعت و جامه‌بخشی برقرار بود و بیشتر طبقه اعیان و گاه عوام را نیز در بر می‌گرفت (همان؛ مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار

۱. جشن سال نو قبطیان که در آغاز ماه نخست تقویم مصر باستان برگزار می‌شد.

۲. هر سال در مصر مراسمی به نام فتح خلیج برای گشودن آبراه‌های نیل برگزار می‌شد که در فصل بارندگی، آب نیل را برای استفاده در ادامه سال نگاه می‌داشت.

۳. عید جامه‌ها که در آن هر سال به عموم مردم پوشاک زمستانی و تابستانی عطا می‌شد.

تاریخی مصر، ۳۰۲/۴ - ۳۱۵) (شکل ۲).

بنابراین کم و بیش هر یک از طبقات جامعه به نسبت پایگاه اجتماعی خویش از سه گونه خلعت و آداب جامه‌بخشی بهره می‌بردند که نماد منزلت اجتماعی آنها در ساختار جامعه بود و دستگاه خلافت بنا بر اهمیت اقشار و گروه‌های اجتماعی، به اختلاف درجات به آنها خلعت و پوشاک اعطاء می‌کرد. طبقه حاکم که در راس آداب خلعت و جامعه بخشی قرار داشتند، از یکدیگر یا از طبقات پایین‌تر جامعه می‌پذیرفتند. هنگام ورود المعز به مصر، بزرگان آن دیار شاشیه‌ای^۱ مرصع به همراه چند صندوق جامه بافت تونه، تنیس و دمیاط پیشکش کردند (المقریزی، انتعاظ، ۱/۱۳۶، ۱۳۷)، زیرا در پی سقوط آل اخشید (۳۲۳ - ۳۵۸)، طبقه تازه‌ای بر مصر حاکم می‌شد که اعیان و بزرگان مصر برای حفظ پایگاه اجتماعی خود، به ایجاد پیوند با آنها نیاز داشتند. از این رو پیشکش جامه‌های ارزشمند بهترین کارگاه‌های نساجی مصر به خلیفه فاطمی، نشانه فرمانبرداری آنها از حاکمان جدید بود. این سنت حتی از سوی والیان و حاکمانی که از سوی خلفای فاطمی گماشته شده بودند نیز انجام می‌شد (Qaddumi, 79 & 80). این گونه پیشکش کردن‌ها در میان خانواده خلیفه نیز رایج بود: در ۳۸۷ ق ست‌الملک، خواهر الحاکم بامرالله، ششمین خلیفه فاطمی (۳۸۶ - ۴۱۱)، هدایایی برای برادرش فرستاد که در میان آنها صد دست جامه و شاشیه مرصع بود (مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/۴۶۷). نواب و والیان نیز بطور متقابل خلعت دریافت می‌کردند و والیان چهارگانه مصر^۲ که جایگاه ویژه‌ای در میان والیان داشتند، خلعتی مانند جامه خلیفه در جشن فتح خلیج دریافت می‌کردند (القلقشندی، ۳/۵۷۱) که نشانه نزدیکی پایگاه اجتماعی آنها به جایگاه خلافت بود. این امر پیوند درون طبقه حاکمان فاطمی را قوت می‌بخشید.

کارکرد اجتماعی خلعت در دوره فاطمی

قاضی نعمان (۲۸۳ - ۳۶۳)، بزرگترین فقیه اسماعیلیه، که به چهار خلیفه نخست

۱. نوعی عرفچین که در مصر و مغرب بر سر می‌کردند و به دور آن عمامه می‌بستند (دزی، ۲۲۸).

۲. ولایات قوص، الشرقیه، الغربیه و الاسکندریه

۳. جامه طمیم، مندیل، حنک، شاشیه تمیم، غلاله (خلیقه نازک)، وسط (نوعی کمر بند)، عرضی (شاید نوعی ریوش پهن)

فاطمی خدمت کرد، در سده چهارم ق به سفارش المعز، کتاب های دعائم الاسلام و الهمه فی آداب اتباع الائمہ را تدوین کرد که در حکم قانون مدنی دولت فاطمی بود. در بخشی از این آثار او به بررسی طبقات جامعه دوره فاطمی نیز پرداخته‌است که با تحلیل آنها می‌توان ساختار کلی جامعه آن دوره را شناخت^۱ (قاضی نعمان، الهمه، ۳۶؛ همو، دعائم الاسلام، ۱/ ۴۴۸) (جدول ۱).

جدول ۱. طبقات جامعه بر اساس اهمیت نقش اجتماعی در دوره خلافت فاطمی از دیدگاه قاضی نعمان (نگارنده)

طبقات	اعضا	نقش اجتماعی
جنود	سپاهیان	جنگ و دفاع برابر دشمنان، حفظ امنیت
اعوان الوالی	قضات، کارگزاران و دبیران	رابط والی با طبقات گوناگون، انجام امور اداری و خدمات دولتی و اجتماعی
اهل الخراج	مالکان زمین و مالیات دهندگان	تامین هزینه‌های دولت
تجار و صناعات	بازرگانان و پیشه‌های گوناگون	تامین نیازهای جامعه
سُفلی	بینوایان	نیازمند به یاری و کمک طبقات دیگر

پس از حاکمان فاطمی، طبقه جنود یا سپاهیان، به سبب نقشی که در حفظ امنیت جامعه و مبارزه با دشمنان داشتند، مهم‌ترین قشر اجتماعی دوره فاطمی محسوب می‌شدند (همان، ۴۵۰-۴۴۸) و بنابراین، بیشترین و با ارزش‌ترین خلعت‌ها از آن‌ها بود. در فتوحات بزرگ و به پاداش اسیر کردن دشمنان در جنگ‌ها به سپاهیان خلعت داده می‌شد (المقربزی، اتعاض، ۱/ ۱۳۹) (ابن اثیر، تاریخ کامل، ۱۲/ ۵۱۹۷). همچنین سپاهیان در بیشتر جشن‌ها و آیین‌ها، چون آیین فتح خلیج، خلعت می‌گرفتند (مقربزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۵۱۹). برای نمونه طراز شکل سه شاید بخشی از خلعت سپاهیان باشد، زیرا در آن نام خلیفه آمده و رنگ سرخ و نقش حیوانات درنده به کار رفته است که بیشتر در جامعه طبقه سپاهیان دیده می‌شد (شکل ۳).

۱. نگاه قاضی نعمان بیشتر به توده جامعه بوده و از همین رو در تقسیمات جامعه به خلیفه و خویشان او اشاره نکرده است.



شکل ۳. طراز وصله شده به آستین از ابریشم و کتان، مربوط به دوره المستنصر در سده پنجم. (موزه

کلیولند، ۵۵۲.۱۹۵۰) <https://www.clevelandart.org/art/1950.552>

مهمترین نقطه عطف در تحول سیمای اجتماعی-سیاسی خلعت سپاهیان به دوره المستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷)، هشتمین خلیفه فاطمی، باز می‌گردد که پایگاه اجتماعی سپاهیان و ارتباط آنها با طبقات دیگر دگرگون شد. دوره خلافت المستنصر با بحران‌های گسترده روبرو شد که از ۴۵۷ تا ۴۶۴ ادامه یافت (همان، ۱۲۱ / ۴). ارتش یکپارچه فاطمی به گروه‌های متخاصم تقسیم شد و بیشتر سرزمین مصر به دست راهزنان و قبایل محلی افتاد (واکر، ۷۸، ۸۵) در چنین وضعیتی المستنصر از بدرالجمالی، سردار شیعه ارمنی تبار که در شام فعالیت می‌کرد، خواست تا برای سرکوب شورش‌ها و نجات مملکت از هرج و مرج به مصر آید. توفیق در برقراری نظم و نجات خلافت از فروپاشی، خلعت وزارت را برای او به ارمان آورد که در سطح طبقاتی، دگرگونی‌هایی را در پی داشت، زیرا تا پیش از این خلعت وزارت از آن اربابان قلم و دبیران عالی رتبه بود (القلقشندی، ۳ / ۵۶۲)، اما از زمان بدر که نخستین ارباب شمشیر در خلعت وزارت بود، این خلعت در دست سپاهیان نگاه داشته شد. خلعت وزارت مهمترین خلعت انتصابات در خلافت فاطمی بود و اهدای آن مراسمی ویژه داشت: پرچمهای وزارت به اهتزاز در می‌آمد و طبل‌ها و شیپورهای ویژه می‌نواختند (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۸۳، ۴۵۲)؛ سپس فرمان وزارت خلیفه و کاتب الدست، سرپرست دیوان انشاء و مکاتبات^۱، آن را تنظیم کرده بود، همراه خلعت وزارت در حضور مقامات به وزیر اعطاء می‌شد (همان، ۴۰۷). جامه وزارت، ذراعه^۲، در نوع خود یگانه و حاکی از جایگاه بی‌مانند

۱. تهیه، تنظیم و نگهداری نامه‌ها، اسناد محرمانه و فرامین بر عهده او بود و رابطه بسیار نزدیکی با خلیفه داشت (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۷۸).

۲. جامه‌ای کوتاه بود که پیش روی آن تا بالای قلب، یقه شکافته داشت و با دکمه یا بند بسته می‌شد.

وزیر در سلسله مراتب قدرت در خلافت فاطمی بود. بزرگی عمامه نشانه منزلت اجتماعی بود^۱ و منديل^۲ مطابق چند لایه و بزرگ خلعت وزارت نشان دهنده پایگاه اجتماعی مهم وزیر بود. حنک در خلعت وزارت، از نظر اجتماعی شاید پیوند ویژه وزیر با خلیفه را نشان می‌داد، زیرا این نوع پوشش تنها از آن خلیفه و پیشکاران ویژه او بود و ریشه در خواستگاه فاطمیان در مغرب داشت (القلقشندی، ۳ / ۵۵۱). خلعت‌های عیدی که در مناسبت‌ها به وزیر اعطاء می‌شد نیز بی‌مانند بود؛ مانند خلعتی از جامه سرخ، شَدَّ^۳ و شمشیر مرصع به یاقوت و گوهر که در عید غدیر به او تقدیم می‌کردند و خلیفه به دست خود گردن‌بندی از گوهر بر گردن وزیر می‌آویخت (المقربزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۳۵). هنگامی که در عید فطر خلیفه جامه نو بر تن می‌کرد، جامه کهنه خود را به عنوان خلعت به وزیر می‌بخشید (همان، ۴۵۷). حتی گاه همراه خلعت وزارت، به بزرگان طبقه سپاهیان و کارگزاران نیز خلعت نو داده می‌شد که به معنای تمدید خدمت آنها در دوره وزارت جدید بود (همو، اتعاظ، ۳ / ۷۵). تصاحب خلعت وزارت حاکی از تسلط کامل بر دولت و نشانه برتری اجتماعی بی‌چون و چرا بر دیگر طبقات جامعه بود؛ حتی بدر، طیلسان را که خلعت و پوشاک رسمی قاضی القضاة و داعی الدعات بود به خلعت وزارت افزود (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۴۰۴) و امور دینی و تبلیغ مذهب اسماعیلی را نیز زیر نظر لشکریان قرار داد. پس از رسیدن خلعت وزارت به طبقه جنود، کم‌کم خلفای فاطمی قدرت پیشین خود را از دست دادند و از نیمه پایانی خلافت المستنصر، اداره امور به دست وزیرانی افتاد که قدرت خویش را مدیون سپاهیان بودند. قدرت روزافزون طبقه سپاهیان حتی بر قراردادهای اجتماعی - مذهبی پیشی گرفت و در دوره خلافت الحافظ لدین‌الله (۵۲۶ - ۵۴۴)، یازدهمین خلیفه فاطمی، بهرام ارمنی، سردار مسیحی، با لقب سیف الاسلام و تاج الملوک خلعت وزارت دریافت کرد (نویری، ۲۸ / ۳۰۰).

با رسیدن خلعت وزارت به طبقه سپاهی، قدرت خلفای فاطمی کاهش یافت و به تنش‌ها و رقابت‌ها درون لشکریان افزوده شد و سرانجام در اواخر عهد فاطمی، کار به هرج

ذراعه بعضی از وزیران دکمه زرین مشبک یا مراورید داشت و این جامه، ویژه وزارت بود (همان، ۴۰۴).

۱. ابن حوقل به این موضوع در دوره فاطمی اشاره کرده است (ابن حوقل، ۱ / ۱۵۹).

۲. نوعی عمامه (دزی، ۳۹۰)

۳. پارچه لطیفی که برای بستن سر یا ساختن عمامه به کار می‌رود (همان، ۲۰۴).

و مرج سپاهیان در اواخر دوره فاطمی انجامید. این هرج و مرج درون طبقه‌ای در اعطای خلعت به سپاهیان در دوره العاضد لدین‌الله (۵۵۵ - ۵۶۷)، چهاردهمین و آخرین خلیفه فاطمی نمایان شد، زیرا گفته‌اند ضرغام که از وزیران او بود، در ۵۵۸ ق امیران مخالف خود را به بهانه اعطای خلعت یک به یک به خزانه دار الوزاره فرا خواند و سپس سر از تن آنها جدا کرد و از اهمیت خلعت در نزد سپاهیان، برای از میان بردن رقیبان در درون طبقه آنها بهره برد (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۱۰۴). این وضع نابسامان داخلی در کنار تهدید خارجی صلیبیان سبب شد تا خلعت‌های پایانی وزارت فاطمی به ترتیب به شیرکوه (Beha Ed-Din, 54) و برادر زاده او صلاح الدین ایوبی برسد که از سنیان هوادار عباسیان بودند (ابن اثیر، کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ۲۱/ ۲۶۰) و زمینه را برای پایان دادن به خلافت فاطمی فراهم کردند. بنابراین طبقه سپاهیان که پس از خاندان خلیفه، مهمترین پایگاه اجتماعی را داشتند، از بیشترین و گرانبهارترین خلعت‌های انتصابات، تشویقات و مناسبت‌ها بهره می‌بردند و در بحران بزرگ دوره المستنصر توانستند با توسل به قدرت نظامی، خلعت وزارت، یعنی مهمترین خلعت انتصابات را نیز از آن خود کنند.

طبقه اعوان الوالی که کارگزاران دولت و امور دینی را در بر می‌گرفت (قاضی نعمان، دعائم، ۱/ ۴۴۸ - ۴۵۰) پس از طبقه جنود، مهمترین طبقه اجتماعی بود. برجستگان آنها به دو دسته ارباب قلم و ارباب عمامه تقسیم می‌شدند: ارباب قلم، طبقه دبیران بودند (القلقشندی، ۳/ ۲۹۸) و ارباب عمامه، به امور دینی می‌پرداختند که بخش بیشتر آن به دستگاه قضایی و سازمان دعوت^۱ مربوط می‌شد (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۲۸۲). از ابتدای حکومت فاطمیان بر مصر به ویژه از دوران العزیز، بیشتر دبیران از مسیحیان بودند (ذیلابی، ۱۱۵) (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۴۰۷؛ همو، اتعاظ، ۳/ ۳۹). بالاترین خلعتی که به کارگزاران و دبیران می‌رسید، خلعت وزارت بود. یعقوب بن کلس که پیش از این در دولت آل اخشید

۱. این سازمان را داعی‌الدعات اداره می‌کرد و در داخل و خارج از مرزهای دولت فاطمی به تبلیغ کیش اسماعیلی می‌پرداخت و به مناطق جغرافیایی گوناگونی تقسیم می‌شد که هر یک از آنها "جزیره" نام داشت و داعی ارشدی به نام "حجت" یا "ید" آن را سازمان می‌داد. به کل این سرزمین‌ها، جزایر زمین یا "جزایر الارض" گفته می‌شد و شامل روم (بیزانس)، دیلم (غرب ایران)، سند، هند، چین، خراسان، بلوچستان، یمن، عراق، حبشه و زنج (زنگبار) می‌شد. البته تقسیم‌های قومی نیز وجود داشت، مانند صقلیبان (اسلاوها)، خزرها و نویبان (سودانی‌ها) (Daftary, 37).

نیز خدمت کرده بود (همدانی، ۱۹۵) نخستین شخص در خلافت فاطمی بود که در ۳۶۸ ق از سوی العزیز خلعت وزارت دریافت کرد (ذیلابی، ۱۰۱) و آخرین وزیر اهل قلم که خلعت گرفت، ابوالفرج المغربي در زمان المستنصر بود (القلقشندی، ۳ / ۵۶۲). مهمترین خلعت دبیران که پس از وزارت به آنها اشاره شده است، سرپرست دیوان انشاء و مکاتبات، متصدی توقیع به قلم دقیق^۱، دیوان تحقیق، دیوان مجلس، صاحب دفتر دیوان مجلس بود (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۵۸ - ۲۸۴).

ارباب عمامه زیرگروهی دیگر از طبقه اعوان الوالی بودند که به امور دینی می‌پرداختند و قضات، مبلغان اسماعیلی، محتسب و قاریان را در بر می‌گرفت (القلقشندی، ۳ / ۵۵۷) (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۸۲). مهمترین مقامات این گروه از آن قاضی‌القضات بود که از میان برجسته‌ترین فقها برگزیده می‌شد (همان). خلعت او جامه زرکش و طیلسان، جامه رسمی قضات در دوره فاطمی بود و آنها را از دیگران متمایز می‌ساخت. اگر مقام داعی‌الدعات نیز به او می‌رسید، مانند وزیر برای او پرچم‌های ویژه به اهتزاز در می‌آمد و طبل و شیپور می‌نواختند (همان، ۲۸۳، ۴۰۴). این مراسم اهدای خلعت نشانه درآمیختن دو نقش مهم اجتماعی - مذهبی در یک فرد بود و ارزش اجتماعی همپایه مراسم خلعت وزارت داشت. به دیگر قضات نیز خلعتی داده می‌شد که مانند خلعت قاضی‌القضات بود و معمولاً از روپوش زرکش، طیلسان و جامه ابریشم تشکیل شده بود. گاه همراه با خلعت قاضی، جامه‌هایی گرانبها به خویشان قاضی نیز اعطا می‌شد (همو، انتعاظ، ۳ / ۹۹) که منزلت اجتماعی خانواده او را افزایش می‌داد و اینگونه دامنه پایگاه اجتماعی او، خانواده‌اش را نیز در بر می‌گرفت.

داعی‌الدعات که سرپرست سازمان دعوت شمرده می‌شد، در رتبه و مقام اجتماعی پس از قاضی‌القضات بود و خلعت و مراسمی مانند او داشت (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۳۸). داعیان نیز در مراسم و اعیادی چون عید غدیر خم و مراسم ختم قرآن در پایان ماه رمضان خلعت می‌گرفتند (همان، ۲۳۳، ۵۸۱). به این

۱. او از دبیران دیوان انشاء و مکاتبات بود که جایگاهی بزرگ نزدیک به کاتب‌الدست داشت و وظیفه داشت برای خلیفه خلاصه‌ای از سیرت بزرگان بخواند و بدین ترتیب، اهمیت مکارم اخلاق را به او یادآوری کند (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴ / ۲۷۹).

طبقه برای تبلیغ مذهب اسماعیلیه در سرزمین‌های دیگر خلعت تشویق نیز اعطا می‌شد (al-Hamdani, 52&156) این خلعت حتی به فقیهان برجسته که در دارالعلم^۱ آموزش می‌دادند نیز اعطا می‌شد (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/۴۷۱).

در امور دینی پس از سازمان قضایی و دعوت، محتسب بود که از میان شیوخ عادل برگزیده می‌شد و به خاطر مسئولیتش در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر اجرای قوانین تنظیم شده برای اصناف گوناگون، اهمیت اجتماعی بسیاری داشت. به او خلعت می‌دادند و فرمان انتصابش بر منابر قاهره و فسطاط خوانده می‌شد (همان، ۴۸۹، ۴۹۰). حتی کارشناس نیل سنج که در مقام خود در سرزمین‌های اسلامی بی‌همتا بود از میان قضات عادل انتخاب می‌شد و در جشن فتح خلیج به برکت بالا آمدن آب نیل، طیلسانی زرکش خلعت می‌گرفت (القلقشندی، ۳/۵۹۱) که به مقام او در جامعه سیمایی دینی می‌بخشید، زیرا رود نیل بخاطر نقش حیاتی آن در زندگی مصریان، جایگاه مقدسی داشت.

بنابراین خلعت مقامات به طبقه جنود و اعوان الوالی محدود می‌شد و هر یک از اربابان آنها بنا بر درجه و اهمیت، خلعتی متمایز از طبقات و گروه‌های دیگر جامعه دریافت می‌کرد (جدول ۲) (همان، ۵۵۱-۵۷۱؛ المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/۵۴۹-۵۸۶؛ همو، انعاظ، ۱/۱۳۹-۲۴۶، ۲/۱۹۴-۲۳، ۳/۵۷-۳۰۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دارالعلم مشهور به دار الحکمه به فرمان الحاکم در ۳۹۵ در قاهره تاسیس شد و در آن انواع علوم را به رایگان به دانشجویان همه طبقات مردم آموزش می‌دادند (همان، ۴۷۰، ۴۷۱).

جدول ۲. سلسله مراتب و نوع خلعت‌های مقامات بر اساس گروه‌های اجتماعی در دوره فاطمی (نگارنده)

طبقه اجتماعی	گروه اجتماعی	زمینه فعالیت	رسته	ویژگی‌های اصلی خلعت
جنود	ارباب شمشیر یا ارباب قلم	وزارت یا وساطت	وزیر یا واسط	طوق زرین مزین به گوهر، شمشیر زرین وزارت مزین به گوهر، ذراعہ دبیقی ^۱ سفید با دو طراز زرکش، رپوش حاشیه‌دار زرکش، حنک، مندیل مطبق سفید زرکش، زین و سرافزار زر
	ارباب شمشیر	اداره امور سپاهیان و ولایات	امیران بزرگ (امیرانطوق- دار)	طوق و دستبند زرین
			امیران	عمامه با طراز زر دوزی شده، جامه دبیقی و روپوش زرکش، شمشیر و کمر بند زرین یا نقره
		کارگزاران ویژه خلیفه و امور دربار	استادان محنک	مندیل، جامه، حنک و شمشیر زرین
اعوان الوالی	ارباب عمامه	اداره امور دینی	ارباب طیالس	جامه، ردا، عمامه و طیلسان زرکش
	ارباب قلم	رئیس دیوان‌ها و ادارات کوچکتر	دبیران	جامه زرکش

۱. منسوب به شهر دبیق در شمال مصر که مرکز تولید پارچه کتان بود.

اعطای جامه و خلعت در مناسبت‌ها و برای تشویق عامه مردم که سه طبقه اهل خراج، تجار و صناعات و سفلی را در بر می‌گرفت نیز به کار می‌رفت. خلفای فاطمی به ارتباط با توده مردم و اقشار نیازمند اهمیت ویژه می‌دادند و گاه حتی در میان مردم می‌رفتند و نیازمندان بدون جلوگیری محافظان، مشکلات خود را با خلیفه بازگو می‌کردند (همدانی، ۱۰۶، ۱۱۳). عطا جامه و خلعت در جشن‌های گوناگون نیز فرصت مناسبی برای ارتباط با رعایا بود تا پیوند اجتماعی میان حاکمان و طبقات عوام نیز استحکام یابد و هم نماد قدرت، شوکت و دست و دلبازی خلیفه در میان جامعه بود. این امر گاه از روی تشویق و رفع نیازهای عموم، نیز انجام می‌شد که می‌توانست بر محبوبیت طبقه حاکم در میان رعایا بیافزاید. فاطمیان از همان ابتدای حکومت در افریقیه و مغرب، از این سیاست پیروی می‌کردند. المنصور بالله (۳۳۴ - ۳۴۱) خلیفه سوم فاطمی، در مراسم ختنه فرزندش بر خانواده هزار کودک که همزمان ختنه شدند؛ جامه پوشاند (الصنهاجی، ۶۲). این سنت در زمان فرزند او، المعز، نیز ادامه یافت (Qaddumi, 132 & 133). قاضی نعمان برای این امر در المجالس و المسایرات، واژه خلعت را به کار برده است که حاکی از دامنه گسترده استفاده از این واژه است، چندان که حتی اعطای جامه به عوام را نیز در بر می‌گرفت (قاضی نعمان، المجالس و المسایرات، ۵۵۶). یکی از اعیاد بزرگ فاطمیان که بیشترین پیوند را با سنت جامه‌بخشی داشت، عید الحلل بود: اعطای جامه از سوی خلیفه عمومیت می‌یافت و مردم و خانواده‌های ایشان به اختلاف درجات، جامه‌های تابستانی و زمستانی دریافت می‌کردند (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۳۰۳ / ۴). هر چند به دقت روشن نیست که چند نفر از مردم جامه دریافت می‌کردند، با توجه به توصیفات و ارقام مذکور در خطط مقریزی، بخش چشمگیری از مردم قاهره و فسطاط از این جامه‌ها برخوردار می‌شدند، از آن جمله نیازمندان، زیرا بنا به اشاره عماره یمنی^۱ پس از پایان خلافت فاطمی و منسوخ شدن عید الحلل، جامه مردم ژنده شده است (همو، اتعاض، ۳۳۳ / ۳). این امر از دوره خلافت المعز در مصر تا پایان حکومت فاطمیان ادامه داشت و سنت جامه‌بخشی، عامل پیوند قدرت و دستگاه خلیفه با همه اقشار جامعه مصر بود. اهدای جامه و خلعت برای تشویق نیز به عامه اهدا می‌شد که بیشتر نخبگان علمی و هنری طبقه تجار و صناعات را در بر می‌گرفت (جدول ۳).

۱. فقیه شافعی، تاریخ نگار و ادیب یمنی در سده ششم که از هواداران فاطمیان بود.

جدول ۳. خلعت تشویق به برجستگان علمی و هنری طبقه تجار و صناعات در دوره فاطمی (نگارنده)

خلعت دهنده	خلعت گیرنده	پیشه	رویداد
الحاکم	گروهی از استادان دارالعلم	استادان حساب و منطق	مناظره الحاکم با گروهی از دانشمندان در دارالعلم (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۴۷۱)
		استادان پزشکی	
الیازوری	ابن عزیز	نقاش	برگزاری رقابت نقاشی در دربار (همو، الخطط، ۴/ ۱۲۵)
	القصیر		
الافضل	ابن الهیثم	منجم	تقویم‌نگاری (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۲/ ۱۶۰)
	سهلون		
	ابن الحلبي		

گرچه جامه‌ها و خلعت‌هایی که در مناسبت‌های گوناگون به عامه مردم اعطاء می‌کردند، طبقه فرودست را نیز در بر می‌گرفت، در بعضی موارد جامه‌ها و خلعت‌های خلافت فاطمی به طور ویژه و تنها شامل حال آنها می‌شد، زیرا در دیدگاه القاضی النعمان وضعیت نیازمندان که دستشان از دامن حاکمان کوتاه است، باید به سران دولت گزارش و سپس به حال ایشان رسیدگی شود و از مال خدا سهمی برای آنها قرار داد، زیرا رعیت ضعیف و لاغر بیشتر از فربهان به توجه نیاز دارند (قاضی نعمان، دعائم، ۱/ ۴۵۹). از این رو هنگامی که در دوره خلافت المستنصر، قحطی عربستان را فرا گرفت و سی و پنج هزار تن از حجاز به مصر مهاجرت کردند، او بر همه آنها جامه پوشانید (ناصر خسرو، ۱۰۴). الامر نیز در آیین جامه‌درانی شیخ ابو اسحاق ابراهیم^۱، هزار دست جامه نصفیه^۲ میان فقیران محله قرافه قاهره پخش کرد (المقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۵۶۳). این دست از جامه‌بخشی‌ها برای تامین نیازهای جامعه و کاهش شکاف طبقاتی انجام می‌شد و ارتباط طبقه حاکم با طبقه بینوایان را حفظ می‌کرد.

۱. از صوفیان آن دوره که به القارح المقری نیز شهرت داشت (همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ۴/ ۵۶۳).

۲. نیم‌تنه

اعطای خلعت برای ارتباط با گروه‌های اجتماعی نیز به کار می‌رفت و در راضی نگاه داشتن مخالفان و همبستگی با گروه‌های اقلیت نقش داشت. فاطمیان در سراسر دوره خلافت با جامعه‌ای ناهمگن با مذهب خود روبه‌رو بودند: بخش بیشتر جمعیت را سنیان تشکیل می‌دادند و این اختلاف مذهبی با اکثریت جامعه، غالباً زمینه پیدایش گروه‌های مخالف شورش را فراهم می‌آورد. فاطمیان می‌کوشیدند تا از اهدای جامه و خلعت برای کاهش تنش و خاموش کردن آشوب‌های گروه‌های سنی و خارجی مخالف بهره‌برند، زیرا اعطای خلعت به گروه‌های اجتماعی که در پایگاه شورش و مخالفت بودند، به معنای رسمیت بخشیدن به هویت اجتماعی آنها بود (جدول ۴).

با فتح مصر فاطمیان با جامعه‌ای روبه‌رو شدند که تنوع قومی و مذهبی گسترده‌ای داشتند. از مهمترین گروه‌های قومی، سادات بودند که به سبب نسب علوی و خویشاوندی با خلفای فاطمی، بسیار گرامی بودند. این اهمیت جایگاه اجتماعی آنها در خلعت نقیب الاشراف یا سرپرست سادات نیز نمایان بود، زیرا در مراسم اهدای خلعت به او مانند مراسم مشابه برای وزیر و قاضی القضاة، طبل و شیپور نواخته می‌شد و پرچم‌ها به اهتزاز در می‌آمد (همو، اتعاظ ۳/ ۳۴۱).

جدول ۴. خلعت برای جلب نظر گروه‌های مخالف در دوره فاطمی (نگارنده)

تاریخ	مکان	علت اجتماعی	گیرنده خلعت	نوع جامه و خلعت	اهدا-کننده خلعت
۳۳۴	افریقیه	آزاد کردن و جامه‌بخشیدن به زن و فرزندان ابو یزید خارجی برای توقف شورش او در افریقیه (ابن اثیر، تاریخ کامل، ۴۹۸۲/۱۰)	زن و فرزندان ابو یزید خارجی		المنصور
۳۳۵		دلجویی از خویشان ابو یزید که در شورش علیه حکومت کشته شده بود و جلوگیری از انتقامجویی گروه خوارج (ذیلابی، ۶۳)	احمد برادر ابو یزید خارجی		
		المعز در مراسم خاکسپار علمای سنی حضور داشت و برایشان کفن می‌فرستاد تا سبب کاهش اختلافات شود (همان، ۶۶)	علمای سنی	کفن	المعز
۳۴۷		خلعت بخشیدن برای توقف شورش و تسلیم شدن گروه مخالفان در افریقیه (حافظ ابرو و دیگران، ۱۲۵)، (رشید الدین فضل الله، ۲۸)	ابو خرز زناتی یعلی بن احمد زناتی		
	قاهره	تاسیس مدرسه فقه مالکی و خلعت دادن به ابوبکر انطاکی به عنوان سرپرست آن برای نزدیک شدن به اهل سنت (ذیلابی، ۱۱۱)	ابوبکر انطاکی فقیه مالکی		الحاکم

اشاره به حفظ منافع اهل ذمه در کتاب الهمم قاضی نعمان (همدانی، ۱۲۹) و امان‌نامه جوهر در هنگام فتح مصر (واکر، ۴۴، ۴۵)، سبب شد تا فاطمیان از یک‌سو در پی

نزدیک‌تر شدن به گروه‌های اجتماعی اقلیت باشند و از تسلط کامل سنیان بر جامعه جلوگیری کنند و از سوی دیگر، در پی بهره‌برداری از توانمندی‌ها و مهارت‌های این گروه‌ها باشند. با توجه به این رویکرد فاطمیان به گروه‌های اقلیت، شمار چشمگیری از مسیحیان خلعت انتصابات دریافت می‌کردند و اینگونه در طبقات بالای سپاهیان و کارگزاران جای می‌گرفتند. بیشتر طبیبان دربار فاطمی از مسیحیان و یهودیان بودند و حتی الحاکم در ۳۹۴ق به ابن نسطاس، پزشک مسیحی خلعت و خانه‌ای مجلل در قاهره بخشید و پس از او در ۳۹۸ق به صقر، پزشک یهودی، خلعت و هدایای بسیار داد (ذیلایی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در دوره متاخرتر، خلعت مقامات مهمی چون وزارت از سوی الحافظ به بهرام مسیحی رسید و خاندان ابواللیث نیز در زمان الامر، خلعت مقام‌های مهم دیوانی به تن داشتند (المقریزی، اتعاض، ۳/ ۳۹ - ۱۸۴). بنابراین، فاطمیان برای نزدیک شدن به گروه‌های اجتماعی مخالف و ایجاد همبستگی با گروه‌های اقلیت، به آنها خلعت اعطا می‌کردند و با هدف کاهش سطح تنش در جامعه، از مهارت‌های آنها در زمینه‌های گوناگون بهره می‌بردند.

نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جایگاه مهم صنعت نساجی در اقتصاد شمال افریقا و به ویژه مصر، زمینه را برای شکوفایی آداب‌خلعت و جامه‌بخشی در دوره فاطمی فراهم کرد. با توجه به ایدئولوژی مذهبی آنها همه طبقات اجتماعی به نسبت اهمیت پایگاه اجتماعی و جایگاه در ساختار دستگاه خلافت، از خلعت و جامه برخوردار می‌شدند. این خلعت‌ها به سه دسته اصلی تقسیم می‌شد: خلعت انتصاب، مناسبت و تشویق. فاطمیان از آداب خلعت و جامه‌بخشی برای تقویت پیوند اجتماعی خود با اقشار گوناگون در سطح درون طبقه‌ای اعیان و میان طبقه‌ای کلان جامعه بهره می‌بردند. بنابر این، از خلعت برای برقراری ارتباط موثر اجتماعی با اقوام و پیروان مذاهب مختلف استفاده می‌شد و حتی در مواردی، خلعت در جلب نظر گروه‌های اجتماعی مخالف حکومت و آرام کردن تنش‌های اجتماعی نیز نقش داشت. شکل و ویژگی‌های خلعت و جامه‌های هدایی هر طبقه بنا بر نقش و قدرت اجتماعی آن متفاوت بود و منزلت اجتماعی آنها را نمایان می‌ساخت. حتی بعضی نمادهای به کار رفته در عناصر خلعت تنها به گروه کوچکی از خواص در راس قدرت تعلق داشت. بیشترین و گرانبهارترین خلعت‌ها از آن طبقه لشکریان بود که موفق شدند در بحران دوره المستنصر، قدرت کامل را در دست گیرند و بر طبقات

دیگر مسلط شوند. این ارتش سالاری در آداب خلعت نیز نمایان شد و به ادغام خلعت وزارت و امر قضاء در جامه سپاهیان انجامید و همان‌ها تا پایان خلافت فاطمی در راس قدرت بودند.

منابع

- ابن اثیر، عز الدین علی، کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: علمی، ۲۲ ج، ۱۳۵۳.
- همو، تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر، ۱۴ ج، ۱۳۷۰.
- ابن حوقل، ابوالقاسم، صوره الارض، لیدن: بریل، ۲ ج، ۱۹۳۸.
- احمد، عزیز، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یا حقی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ادریسی، محمد بن محمد، نزه المشتاق فی الإختراق الأفاق، بیروت: علم الکتب، ۲ ج، ۱۴۰۹.
- البکری، ابو عبید، المسالک و الممالک، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۲ ج، ۱۹۹۲.
- حافظ ابرو، مجمع التواریخ سلطانیه، به کوشش محمد مدرسی (زنجانی)، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- حسن، زکی محمد، کنوز الفاطمیین (گنجینه فاطمیان)، ترجمه ندا گلجانی مقدم، تهران: دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۲.
- دُزی، راینهارت پیتر آن، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- ذیلابی، نگار، فاطمیان: از خشونت تارواداری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
- رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ: قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی (زنجانی)، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- صنهاجی، محمد، تاریخ فاطمیان: ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی صلی الله و آله و سلم، ترجمه محمد هادی فقهی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
- قاضی نعمان، دعائم الاسلام و بیان حلال حرام و قضایا و احکام، ترجمه عبدالله امیدوار، به کوشش آصف بن علی اصغر فیضی، کابل: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۲ ج، ۱۳۷۲.
- همو، المجالس و المسایرات، بیروت: دار المنتظر، ۱۹۹۶.
- همو، الهمه فی آداب اتباع الائمه، القاهره: دار الفكر العربی، (بی تا).
- قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۵ ج، ۱۹۷۱.
- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۲ ج، ۱۳۶۱.
- مقریزی، احمد بن علی، اتعاظ الحنفاء بأخبار لائمہ الفاطمیین الخلفاء القاهره: جمهوریه مصر العربیه وزاره

- الاقواف المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه لجنة احياء التراث الاسلامي، ۳، ج، ۱۹۹۶.
- همو، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقرئيه، بيروت: دار الكتب العلميه، ۴، ج، ۱۴۱۸.
- همو، پندها و عبرتها از بناها و آثار تاريخي مصر؛ ترجمه خطط مقرئيه، ترجمه پرويز اتابكي و محمدرضا عطايي، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوي، ۴، ج، ۱۳۹۷.
- ناصر خسرو، سفرنامه، به كوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- نوبيري، احمد بن عبدالوهاب، نهايه الأدب في فنون الأدب، القاهرة: وزارة الثقافه و الإرشاد القومي، المؤسسة المصريه العامه، ۳۳، ج، بی تا.
- واكر، پل، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۳.
- همدانی، سمیه، بین انقلاب و دولت: مسیر تشکیل دولت فاطمی، قاضی نعمان و توجیه مشروعیت حکومت فاطمی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه، ۱۳۸۹.

- Beha Ed-Din, *The life of Saladin*, London: Committee of the Palestine Exploration Fund, 1897.
- Bloom, M. Jonathan, *Arts of City Victorious: Islamic Art and Architecture in Fatimid Egypt and North Africa*, Singapore: Yale University Press~ New Haven and London in association with Institute of Ismaili Studies, 2007.
- Daftary, Farhad, "The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla" in: Marianne Barrucand. (Dir.), *L'Egypte Fatimide: son art et son histoire*, Paris: Press de L universite de Paris-Sorbonne, 29-43, 1999.
- al-Hamdani, Abbas H, *The Sira of al-Mu'ayyad fi'd-Din ash-Shirazi*, (Doctoral dissertation), The University of London, 1950.
- Ivanow, W, *Ismaili tradition concerning the rise of the Fatimids*, London: Oxford University press, 1942.
- Qaddumi, Ghada Hijjawi, *A medieval Islamic book of gifts and treasures: Translation, annotation, and commentary on the "Kitab al-Hadaya wa al-Tuhaf"*, (Doctoral dissertation), Harvard university, 1990.
- Sanders, Paula. A, *The court ceremonial of Fatimid Caliphate in Egypt* (Doctoral dissertation), Princeton University, 1984.
- Idem, "Robes of honor in Fatimid Egypt" in: Gordon S. (eds) *Robes and Honor: The medieval world of investiture (The new Middle Ages)*, New York: Palgrave Macmillan, 2001.
- <https://www.clevelandart.org/art/1950.549>
- <https://www.clevelandart.org/art/1950.552>